



Received:
11 September 2024
Revised:
10 November 2024
Accepted:
01 November 2024
Published:
22 May 2025
P.P: 145-169

ISSN: 2008-3564
E-ISSN: 2645-5258



Typology of Imam Sajjad's Role in Managing Political-Social Crisis

Ali Asgari Vaziri ^{*1}

Abstract

Crisis management is one of the important issues that have been more and more emphasized in recent years by managers in the area of practice and thought, because this discussion helps us identify ways to manage society. Shiites believe that Shiite imams have also dealt with the management of political and social crises for the survival of Islam and the Shiite religion. According to this theory, this research aims to study the role of Imam Sajjad in the management of political and social crises and to investigate their role in crisis management and management after the testimony of Imam Hussein. The result confirmed this hypothesis and resulted in the resurgence of Shi'a beliefs after the Ashura. this research aims to study the role of Imam Sajjad in the management of political and social crises and to investigate their role in crisis management and management after the testimony of Imam Hussein. The result confirmed this hypothesis and resulted in the resurgence of Shi'a beliefs after the Ashura.

Keywords: "Imam Sajjad", "Crisis Management", "Political-Social Status", "Shia".

1. Corresponding author: Assistant Professor, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom
Iran ali_askari31@yahoo.com

Cite this Paper: Citation: Askari Vaziri, Ali. (1404). Typology of the role of Imam Sajjad (peace be upon him) in the management of political-social crises. Crisis Management Studies. 17(2). 145-169.

Publisher: Imam Hussein University

© Authors



This article is licensed under a [Creative Commons Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/) (CC BY 4.0).



مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۰۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۲/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۳/۰۱

صص: ۱۶۹-۱۴۵

شاپا چاپی: ۳۵۶۴-۲۰۰۸

الکترونیکی: ۵۲۵۸-۲۶۴۵



ali_askari31@yahoo.com

۱. نویسنده مسئول: استادیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران

استناد: عسکری وزیری، علی. (۱۴۰۴). گونه شناسی نقش امام سجاد علیه السلام در مدیریت بحرانهای سیاسی - اجتماعی. مطالعات مدیریت بحران، ۱۷(۲)، ۱۶۹-۱۴۵.

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع) © نویسندگان



این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

چکیده

مدیریت بحران یکی از موضوعات مهمی است که در طول سالهای اخیر با تأکید بیشتری مورد توجه مدیران در حوزه عمل و اندیشه قرار گرفته است؛ زیرا این بحث به ما کمک می کند تا در اداره جامعه راه کارها را شناسایی کنیم. شیعیان معتقدند که امامان شیعه نیز در عصر خویش برای حیات و بقای اسلام و مذهب تشیع، به حل و مدیریت بحرانهای سیاسی و اجتماعی پرداخته اند. براساس نظریه مدیریت بحران این پژوهش درصدد است نقش امام سجاد علیه السلام در مدیریت بحرانهای سیاسی و اجتماعی و راهبری و مدیریت بحران را پس از شهادت امام حسین علیه السلام بررسی کند. نتیجه، این فرضیه را تأیید کرد که شیعه بعد از عاشورا در تبیین باورهای خویش حیاتی دوباره یافت.

کلیدواژه ها: امام سجاد علیه السلام و مدیریت بحران، وضعیت سیاسی - اجتماعی و شیعه

مقدمه

بحران^۱ در واقع، حالتی کاملاً غیرمنتظره و غافلگیرکننده است که در آن فرصت تصمیم‌گیری بسیار کم است. در چنین حالتی، دیگر نمی‌توان از روشهای معمول استفاده کرد. در این حالت، مدیریت پیش از هر چیزی به تجربه، مهارت، سرعت، هوشمندی، خلاقیت و موقع‌سنجی نیاز دارد و باتوجه به اطلاعات باید هرچه سریعتر، موضوع ارزیابی، و نسبت به آن اقدام شود.

مفهوم بحران می‌تواند به معنای انحراف از وضعیت تعادل عمومی رابطه سازمان با محیط باشد که سازمان مجبور است پیوسته از آن آگاهی داشته باشد. در هر یک از این دو نگرش، اجرای مسائل بحران در دیدگاه مدیریت راهبردی به بهترین وجه قابل درک است (Booth, 1993, P. 64).

در یک تعریف، بحران، وضعیت تنشی است که اولاً از قبل قابل حدس و مورد انتظار نیست. ثانیاً پاسخ صحیح و فوری لازم دارد. ثالثاً روشهای پیشگیری متعارف و موجود، توان پاسخگویی به آن را ندارد. رابعاً ارزشها و اهداف جامعه را تهدید می‌کند. بحران سیاسی - اجتماعی نیز وضعیتی است که در آن ثبات و توازن نظام سیاسی - اجتماعی برهم می‌خورد. برای جلوگیری از شدیدشدن بحرانها از بین رفتن روابط و مصون‌ماندن سازمانها در مقابل تهدیدات و وقایع ناگوار، وجود مدیریت بحران ضروری است. ممکن است با وقوع بحران در بخش خصوصی، شرکتهای مشتریان خود و سازمانهای غیرانتفاعی، اعتبار و اعضای خود را از دست بدهند؛ هم‌چنین دولتها متحمل دردرهای فراوان شوند (گاتزچاک، ۱۳۸۳: ۶).

بنابراین، مدیریت بحران^۲ فرایندی نظام‌یافته است که طی آن، سازمان تلاش می‌کند بحرانهای بالقوه را شناسایی و پیش‌بینی کند؛ سپس در مقابل آنها اقدامات پیشگیرانه انجام دهد تا اثر آن را به حداقل برساند. برای اجرای این فرایند باید مشخص شود که بحران در چه مرحله‌ای قرار دارد تا بتوان نسبت به اقدامات پیشگیرانه و یا هر اقدام مناسب، تصمیم درستی گرفت و روشهای صحیحی را به اجرا آورد (رضوانی، ۱۳۸۵: ۲۵-۲۰).

1. Crisis
2. Crisis management

نکته قابل توجه این است که برای مقابله با بحرانهای سیاسی - اجتماعی سه مرحله در نظر گرفته می شود: قبل از وقوع، هنگام وقوع و پس از بحران که مدیر در هر مرحله باید اقدامات مناسب را انجام دهد.

شیعیان نیز با توجه به معنا و کارکردهای بحران بر این باورند که امامان شیعه (ع)، فرستادگان خدا برای هدایت و مدیریت دین و دنیای مردم هستند. در این نگاه، امامت یکی از مسائل اساسی و ضروری شیعه است (مفید، ۱۴۱۳ق: ۳۲) و علاوه بر پیشوایی دینی، رهبر سیاسی نیز هست و در تمامی رفتارهای سیاسی، شیعیان همواره به آنان توجه می کنند و اوامر آنان را می پذیرند (مفید، ۱۴۱۳ق: ۳۲).

با تأمل در تاریخ اسلام بویژه سیره معصومان (ع) درمی یابیم که بحرانهای سیاسی و اجتماعی زیادی در حیات طیبه ایشان اتفاق افتاده است و آنان در پاسخ به بحرانهای فراو، الگوی مناسب و مبتنی بر اندیشه و حیانی داشته اند. گرچه ممکن است نوع بحرانی که حضرات معصومین (ع) با آن روبه رو بوده اند با بحرانهای معاصر تفاوت داشته باشد، درک و شناخت منطق پاسخ به بحران یا به عبارتی، مدیریت بحران آنان می تواند به بهبود زندگی سیاسی و اجتماعی انسان معاصر و حل بحرانهای پیش رو کمک زیادی بکند؛ بنابراین، مبتنی بر این نظریه و تعریف بحران، محقق به دنبال این است تا از سیره امام سجاد علیه السلام، الگویی را استخراج کند. علت انتخاب عصر امام سجاد علیه السلام هم این است که وقایع سیاسی و اجتماعی حاکم بر زندگی ایشان و علویان علاوه بر تعدد و تنوع، بسیار چالشی بوده است؛ موضوعی که تاکنون کسی با این رویکرد به آن نپرداخته است.

سؤال اساسی این است که نقش امام سجاد علیه السلام در مدیریت بحرانهای سیاسی و اجتماعی چه بوده است؟

شیوه پژوهش، کتابخانه ای بوده که به اقتضای ماهیت پژوهشهای تاریخی، فیش برداری شده است و پس از توصیف و تحلیل محتوا بر چارچوب روش مدیریت حل بحران تطبیق می شود. تحقیقات نشان می دهد در بیشتر مواردی که بحران، ایجاد شده بیشترین فشار کاری بر عهده مدیران و مسئولان بوده است. این مسئله ضرورت افزایش توان مدیران را برای رویارویی با حوادث و جریانهای غیرقابل پیش بینی بیش از پیش نمایان می کند. به نظر می رسد بر همین اساس،

دوره امام سجاد علیه‌السلام بحرانی‌ترین دوره اسلام است که حاکمانی چون یزید، مروان، عبدالملک و ولید و سلیمان حکومت راندند. حاکمانی که علاوه بر رواج ظلم و فساد، ستم به شیعیان، بدعتهای فراوانی در دوره آنان بر جامعه اسلامی تحمیل شد. ترویج لهو و لعب و انواع مفسدات توسط حاکمان اموی، اسلام را در معرض انحراف و فتنه‌های وحشتناکی قرار داد (طبری، ج ۴، ۱۴۰۹ق: ۴۸۴).

یکی از مباحثی که باید در سیره امام سجاد علیه‌السلام بیشتر به آن پرداخته شود، نقش آن حضرت در رهبری و مدیریت شیعه در زمان بحران و پس از شهادت پدر بزرگوارش، امام حسین علیه‌السلام است.

اهمیت و لزوم مطالعه این موضوع، زمانی روشن می‌شود که بدانیم گروهی از مورخان و نویسندگان قدیم و معاصر - از شیعه و سنی - بر این باورند که امام سجاد علیه‌السلام بعد از حادثه جانگداز عاشورا از کارهای سیاسی و اجتماعی کناره گرفت و به امور عبادی و شخصی خویش پرداخت و نه تنها در برابر خلفای بنی‌امیه هیچ‌گونه اعتراض و موضعگیری منفی نشان نداد، بلکه از مطیع‌ترین و محبوب‌ترین افراد اهل بیت (ع) نزد دستگاه حاکم بود (مختاراللیثی، ۱۳۷۱ش: ۲۹) در حالی که اگر منابع و مآخذ مربوط به زندگی امام سجاد علیه‌السلام مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد، نتیجه‌ای کاملاً عکس این مطلب به دست می‌آید.

عصر امام سجاد علیه‌السلام یکی از پراختناق‌ترین دورانهای تاریخ اسلام برای شیعیان بوده است؛ دوره‌ای که شیعه از بُعد سیاسی، اجتماعی در وضعیت بسیار سختی به سر می‌برد؛ تشکیلات و انسجام آن فروپاشیده بود و در آستانه انقراض قرار گرفته بود. امام سجاد علیه‌السلام با رهبری مدبرانه خویش توانست شیرازه نظام سیاسی و اجتماعی، علمی و فرهنگی شیعه را از فروپاشی حفظ کند و حافظ دین جدش رسول خدا (ص) و خون پدر بزرگوارش امام حسین علیه‌السلام باشد؛ چنانکه از فضل بن شاذان نقل شده است که در ابتدای امامت امام سجاد علیه‌السلام بجز پنج نفر با ایشان نبودند (کشی، ۱۳۶۳ش: ۳۳۲)؛ اما در ادامه می‌بینیم که امام علاوه بر تربیت شاگردان بسیار و تبیین باورهای شیعه در عبور آنان از بحرانهای عصر خویش، تلاش زیادی کردند.

ساختار مفهومی تحقیق

مجموعه اقداماتی که توسط هر مدیر برای حل بحران انجام می شود در سه دسته اقدامات پیش از بحران، هنگام بحران و پس از آن قابل طرح و بررسی است. مدیرانی که در حالت ناپایدار محیطی و آکنده از عدم اطمینان فعالیت می کنند بر این نکته آگاهند که هر یک از این اقدامات برای حل بحران از اهمیت ویژه ای برخوردار است. به علاوه این مجموعه اقدامات در مدیریت بحران به مثابه یک نظام با هم ارتباط تنگاتنگی دارد به طوری که توجه نکردن به هر نوع از اقدامات می تواند باعث غلبه بحران شود با این توضیح که مدیریت بحران باید هر یک از این اقدامات را در برنامه های خود مورد توجه قرار دهد؛ زیرا هر یک از این اقدامات سه گانه در مهار بحرانهایی فرارو نقش مهمی خواهد داشت. درواقع، مدیریت بحران در گرو اجرای اقدامات پیش از بحران، اقدامات هنگام بحران و اقدامات پس از آن است. چنانچه در مدیریت بحران، اقدامات پیش و هنگام بحران، مطلوب اجرا شود، ولی اقدامات پس از بحران مورد توجه مدیران قرار نگیرد، ممکن است بحران جدیدی شکل بگیرد و از این طریق، سازمان را با بحرانهایی جدیدی روبه رو سازد؛ هم چنین اگر اقدامات پیش از بحران به طور جدی مورد توجه و ملاحظه قرار نگیرد و تنها به اقدامات هنگام بحران و پس از آن اکتفا شود، ممکن است مدیریت بحران دچار هزینه های زیاد و عدم موفقیت در حل بحران شود؛ بنابراین در این الگوی مفهومی - همان طور که در شکل ذیل مشاهده می شود - هر یک از اقدامات پیش از بحران، هنگام و پس از آن به مثابه خرده سامانه برای نظام مدیریت بحران تلقی می شود که هر یک در جای خود حائز اهمیت فراوانی است.



نمودار ۱. الگوی چرخشی مدیریت بحران

یافته‌های پژوهش

الف. مهمترین مؤلفه‌های بحران سیاسی و اجتماعی در عصر امام سجاد علیه‌السلام

مهمترین این مؤلفه‌ها عبارت است از:

- بازگشت به الگو و هویت جاهلی حکومت
- تلاش در جهت حذف دستاوردهای انقلاب امام حسین علیه‌السلام توسط عناصر بنی‌امیه
- بحران چگونگی اعمال ولایت سیاسی اهل‌بیت (ع)
- زنده‌شدن ارزشهای جاهلی
- بحران رهبری سیاسی و دینی شیعه
- وقوع قیامهای متعدد علیه حاکمیت بنی‌امیه

ب. مهمترین اقدامات امام سجاد علیه‌السلام قبل از بحران

مدیریت قبل از بحران، شامل مجموعه اقداماتی است که مدیران، قبل از شکل‌گیری بحران، آن را مورد توجه قرار می‌دهند و اقدامات بازدارنده‌ای را به‌منظور جلوگیری از بحران احتمالی فرارو انجام می‌دهند. با بررسی سیره امام سجاد علیه‌السلام برخی از اقدامات قابل مشاهده است که جنبه‌بازدارندگی داشته است و می‌توان از آنها به‌عنوان مدیریت پیش از بحران در سیره آن امام یاد کرد.

همراهی با امام حسین علیه‌السلام و حضور در حماسه کربلا

یکی از راهبردهای اصلی امام سجاد علیه‌السلام در حل بحران سیاسی حاکم، حضور جدی در کاروان کربلا بود تا علاوه بر پیروی و همراهی با امام خویش، بینش و رفتار سیاسی خود را اعلام کند. علی‌بن‌الحسین - یعنی زین‌العابدین علیه‌السلام - (از خیمه) بیرون آمد. او مریض بود و قادر بر حمل شمشیرش نبود. ام‌کلثوم پشت سر او فریاد زد که ای فرزند، برگرد، گفت ای عمه، رهایم کن تا در رکاب پسر رسول خدا (ص) بجنگم [و او را یاری کنم]. حسین بن علی علیه‌السلام فرمود ای ام‌کلثوم، او را بازدار و به (خیمه) برگردان؛ (چرا که) نباید زمین از نسل خاندان محمد (ص) خالی باشد (خوارزمی، ج ۲، ۱۳۶۷ق: ۳۲).

کسب مقبولیت در امت اسلام

امام سجاد علیه السلام، مقبولیت عمومی داشت، همه امت اسلام او را قبول داشتند و بدین دلیل آن حضرت را با القابی نظیر العدل، امام الامة، قدوة الزاهدين، سيدالمتقين، الامین و... خطاب می-کردند. دکتر شهیدی معتقد است این القاب را مردم به آن حضرت داده اند؛ افرادی که نه شیعه بودند و نه به مقام عصمت و امامت آن حضرت عقیده داشتند؛ بلکه به دلیل بروز صفاتی عالی از آن حضرت و براساس اعتقاد قلبی خود، که به شخصیت آن حضرت داشتند به او این القاب را می دادند. هر یک از این لقبها نشاندهنده مرتبه ای از کمال نفس و درجاتی از ایمان و اخلاص آن حضرت و اعتماد مردم به آن حضرت بود (شهیدی، ۱۳۸۰، ش: ۸).

از آنجا که ائمه (ع) ریاست بر دین و دنیای مردم را بر عهده دارند برای اعمال ولایت لازم است در جامعه حضور علمی و فرهنگی جدی داشته باشند تا از این طریق دین خدا ابلاغ شود. این تلاش به بروز و ظهور مقبولیت ائمه منجر شد؛ چنانکه محمدبن سعد درباره امام سجاد علیه السلام می نویسد:

علی بن الحسین علیه السلام عالی مرتبه و پرهیزگارترین و بلندمرتبه ترین فردی است که از پیامبر (ص) روایت می کند» (ابن سعد، ج ۵، ۱۳۷۴ ش: ۱۲۳).

رُهری نیز، امام را فقیه ترین و داناترین فرد روزگار می دانست (ابن سعد، ج ۵، ۱۳۷۴ ش: ۲۱۴) و می گفت وی بیش از همه بر گردن من حق و منت دارد (ابن عنبه، ۱۴۱۷ ق: ۱۹۳).

جمع اوصاف و ویژگیهایی که رسول خدا (ص) و جانشینان راستین آن حضرت داشتند در آن حضرت به زیباترین و نیکوترین صورتهای نمایان بود و همین تجلی اوصاف بود که مقبولیت عمومی و هیبتی خاص از حضرت ظاهر می کرد. وقتی مسلم بن عقبه حضرت را احضار کرد و به سبب خشمی که از او و خاندانش در دل داشت، قصد کشتن حضرت را کرد، وقتی امام سجاد علیه السلام وارد شد، مسلم با دیدن امام به لرزه افتاد و در مقابل امام از جای خود برخاست و با احترام، امام را در کنار خود جای داد (مسعودی، ۱۴۱۷ ق: ۷۴).

عهده‌داری منصب امامت

براساس حدیث ائمه اثنی عشر، امامت بعد از امام حسین علیه‌السلام از طریق وصایت و نص الهی به امام سجاد علیه‌السلام رسید (کلینی، ج ۱، ۱۴۰۷ق، ۲۴۱). ایشان نیز براساس منصبی که داشتند به سرپرستی دینی و دنیوی مردم به روشهای مختلف پرداختند و تلاش کردند شیعیان و ماهیت و هویت حقیقی اسلام را از بحرانهای سیاسی و اجتماعی عبور دهند و به تبیین نقش رهبری در این بحرانها بپردازند (کلینی، ج ۱، ۱۴۰۷ش: ۱۷۳).

تبیین مبانی اعتقادی و سیاسی شیعه

یکی دیگر از اقدامات امام علیه‌السلام قبل از وقوع بحران، تبیین مبانی اعتقادی و سیاسی شیعه در قالب دعا بود. ایشان برای رسیدن به این منظور، امامت را در دعاهاى خود مطرح می‌کرد و مردم را به آن سوق می‌داد. مهمترین کلید واژگان این دعاها سفارش مردم به ذکر صلوات بر محمد و خاندان او بود؛ به عبارت دیگر مردم در کنار صلوات فرستادن بر رسول خدا، امامت خاندان وی را نیز مورد عنایت قرار می‌دادند و علاوه بر تبیین جدانبودن این دو از هم، التزام به پذیرش ولایت آنان در این صلواتها مطرح بود.

آموزش دین به مردم

امام سجاد علیه‌السلام مسجد نبوی و منزل خویش را محل درس و بحث قرار داده بود و مردم دور وی حلقه می‌زدند و کلام ایشان را حفظ می‌کردند و یا می‌نوشتند (ابن عساکر، ج ۳۶، ۱۴۱۵ق: ۱۴۶). امام برای تشویق و برانگیختن حلقه‌های درسی در کنار آنان می‌نشستند؛ چنانکه روزی در حلقه درسی کنار زید بن اسلم نشستند به گونه‌ای که نافع بن جبیر بر آن حضرت خرده گرفت که شما آقای مردم هستید؛ چرا در کنار بنده‌ای می‌نشینید؟ امام پاسخ داد: «ان العلم یتبعی و یؤتی». علم را از هر که و هر جایی شد بگیر و بخوان (ابن عساکر، ج ۴۱، ۱۴۱۵ق: ۳۶۹). وی طالب علم را تکریم می‌کرد و آداب فراگیران را به آنان می‌آموختند؛ حقوق معلم را گوشزد و تکرار می‌کردند. آن حضرت در این باره می‌فرماید:

«طالب العلم إذا خرج من منزله لم يضع رجلاً علی رطب ولا یابس من الأرض إلا سبّحت له الأرضون السبع»:

همانا دانشجو چون از خانه اش بیرون رود، قدم بر جای خیس و خشکی از زمین نمی نهد جز اینکه تا طبقه هفتم زمین برای او استغفار کنند (بحار الانوار، ج ۱، ۱۴۰۳ق: ۱۶۸).

نصربن اوس طایی می گوید علی بن حسین علیه السلام به من می گفت:

مردم - برای پرسش سؤالهایشان - به کجا می روند؟ گفتم: اینجا و آنجا. امام فرمود به آنان بگویند که نزد من بیایند (ابن عساکر، ج ۴۱، ۱۴۱۵ق: ۳۶۵).

کادرسازی مدبرانه

امام سجاد علیه السلام پس از شهادت امام حسین علیه السلام و با بازگشت به مدینه - النبی (ص)، وظیفه سنگین تربیت کادر انقلابی و مؤمن را بر عهده گرفت؛ در همین زمان بود که حتی فقهای عامه نیز از محضر آن حضرت بهره بردند؛ چنانکه ابن شهاب زهری در موضوعات فقهی از محضر امام بهره برد (اربلی، ج ۲، ۱۳۸۱ق: ۷۶) و شاگردان میرزی از میان شیعیان با استفاده از کرسی های درسی و تربیتی امام سجاد علیه السلام در مدینه تربیت شدند که می توان در این میان به سعید بن مسیب از فقهای هفتگانه مدینه، قاسم بن محمد بن ابی بکر و ابو خالد کابلی اشاره کرد (کافی، ج ۱، ۱۴۰۷ق: ۴۷۲).

ج. مهمترین اقدامات امام سجاد علیه السلام هنگام بحران

برخی از اقدامات مدیریتی که در مسائل بحرانی مورد توجه قرار می گیرد به زمانی مربوط است که بحران شکل گرفته و جامعه در هر صورت در آن گرفتار شده است.

ایفای مسئولیت خطیر امامت

ماجرای کربلا نشان داد که بسیاری از مردم، گوش شنوای حرف حق و ظرفیت پذیرش مسائل معرفتی را ندارند؛ در این موقعیت طبیعی بود که رهبران معنوی جامعه از هدایت مردم دست بکشند و به کنج عزلت پناه ببرند؛ اما امام علیه السلام در جمع مردم حاضر می شدند. مردم سخن و شیوه راز و نیاز حضرت علیه السلام را می شنیدند؛ از این رو است که بسیاری از دعا های ایشان به دست ما رسیده و حتی توسط دیگران نگاشته شده است. در واقع امام علیه السلام در برابر گوشهای ناشنوا سکوت نکردند و تسلیم نشدند؛ بلکه به شکلی دیگر قیام کردند تا انسانهای به خواب رفته را بیدار، و آن نقش فعالی را در جامعه محقق کنند که عرفان حقیقی دارد؛ بنابراین، ایشان با اینکه در

دوره اختناق شدید و تنهایی دردآور زندگی می‌کردند، بسیار فعال و تأثیرگذار در جامعه ظاهر شدند و دقیقاً عنصر عرفان و ارتباط با خدا بود که این نقش فعال را به ایشان بخشید. باید توجه کرد که روش دعا همیشه به کار می‌آید؛ اما با توجه به اینکه ما در روزگار امام چهارم علیه‌السلام نیستیم، روشهای دیگر نیز کاربردی خواهد بود؛ زیرا امروز بسیاری از مردم دنیا از خواب غفلت بیدار شده‌اند و گوشهای شنوا بسیار است. در کشور خود ما جوانان بسیاری هستند که آرمانها و اهداف انقلاب و ارزشهای عرفانی برایشان مهم است و وضعیت ما این طور نیست که رهبران معنوی جامعه در محاصره گوشهای ناشنوا و دلهای به خواب رفته باشند.

بنابراین، امروز مکتب امام علیه‌السلام در سطح بالاتری می‌تواند برای همه انسانهای حق طلب مؤثر باشد و می‌توان با استفاده از روش و مکتب دعا و الهام از شیوه حضرت علیه‌السلام برای افزایش قدرتهای معنوی و توانمندسازی ایمانی مردم استفاده کرد تا بتوان در برابر پیشوایان کفر و رهبران جاهلیت مدرن محکم ایستاد و دنیا را به مرحله جدیدی رهنمون شد.

افشای ماهیت حکومت فاسد بنی‌امیه و بیان مظلومیت امام حسین علیه‌السلام

افشای ماهیت حکومت نامشروع بنی‌امیه و فساد ناشی از این سلطه از دیگر برنامه‌های اصلی امام سجاد در برونرفت از بحرانهای فرارو بود. ایشان در خطبه‌های مختلف نسبت به این مسئله اهتمام ورزیدند و شیعیان را از ماهیت حکومت آنان آگاه، و در ضمن آن به بیان مظلومیت امام حسین علیه‌السلام و مشروعیت قیام و حکومت وی اشاره کردند؛ چنانکه در خطبه‌ای فرمودند:

ای مردم!... من پسر کسی هستم که حریمش مورد تعرض دشمنان قرار گرفت و داراییهایش گرفته و اموالش غارت، و خاندانش به اسارت گرفته شد. من پسر کسی هستم که او را زجرگش، و شهیدش کردند و همین افتخار، مرا بس. ای مردم، شما را به خدا سوگند آیا می‌دانید که به پدرم نامه نوشتید و به او نیرنگ زدید؟ با او پیمان بستید و بیعت کردید؛ آن‌گاه با او جنگیدید و بی‌یاورش گذاشتید؟ مرگتان باد از کار زشت و اندیشه ناروایی که برای خود پیش فرستادید. با چه چشمی به پیامبر (ص) خواهید نگریست آن‌گاه که به شما بگوید عترت مرا کشتید و حرمت مرا شکستید. شما از امت من نیستید؟ راوی گوید صدای مردم به گریه برخاست؛ یکدیگر را نفرین می‌کردند و می‌گفتند نابود شدید و خبر ندارید! (ابن‌نما، ۱۴۱۶ق: ۹۰).

امام سجّاد علیه السلام هم چنین فرصت را برای برملا کردن ماهیت خاندان بنی امیه غنیمت شمرد و با بی توجهی به رعب و وحشتی که بر مجلس سایه افکنده بود با صلابت از جا برخاست و پیش روی یزید قرار گرفت و طی شعری، خطاب به یزید گفت «امید نداشته باشید در حالی که ما را خوار می کنید، ما شما را گرامی بداریم و در حالی که ما را اذیت می کنید از آزار شما خودداری ورزیم. خدا می داند که ما شما را دوست نداریم و از اینکه شما نیز ما را دوست ندارید، سرزنشان نمی کنیم» (ابن طاووس، ۱۴۱۷ق: ۲۰۰).

تقویت صبر و استمداد از خدا در مصائب

بعد از حادثه کربلا، تقویت شکیبایی شیعیان و خاندان رسالت برای استمرار حرکت امامت در دستور کار امام بود؛ لذا ایشان علاوه بر نقش گریه و عزاداری برای تسکین دردها به ابزار صبر، تکیه، و دیگران را به آن سفارش می کرد تا اهداف قیام کربلا دسرخوش شتابزدگی نشود که نتیجه - ای جز نابودی ندارد؛ لذا امام سجّاد علیه السلام فرمود: هیئات ای نیرنگبازان دغل کار، بین شما و خواسته هایتان فاصله است. می خواهید با من هم همان کنید که با پدرانم کردید؟ هرگز! سوگند به پروردگار شترهایی که راه رونده [در حج] هستند از من دور شوید. هنوز زخممان بهبود نیافته است. دیروز پدرم و خاندانش را که با او بود، کشتید. هرگز داغ پیامبر (ص) و داغ پدرم و فرزندان پدرم و جدّم را از یاد نبرده ام و تلخی جانکاهش در کامم است و جرعه های اندوهش در سینه ام باقی است. از شما می خواهم که نه با ما باشید، نه برضد ما (طبرسی، ج ۲، ۱۴۰۳ق: ۱۱۹ - ۱۱۷).

امر به معروف و نهی از منکر

نمونه ای دیگر از اقدامات امام سجّاد علیه السلام، تشویق مردم به امر به معروف و نهی از منکر در برابر حاکمان ستمگر با رعایت شرایط تقیه - در موارد لزوم - بود. این امر ازسویی، جباریت حاکمان اموی و از دیگر سو، راهبرد مخالفت با آنان را به مخاطبان می فهماند. امام سجّاد علیه السلام می فرمود: کسی که امر به معروف و نهی از منکر را ترک کند و کنار نهد، همانند کسی است که کتاب خدا (قرآن) را پشت سر افکنده است [و بدان اعتقادی ندارد]؛ مگر اینکه در شرایط تقیه ویژه ای به سر برد. گفته شد منظور از تقیه ویژه چیست. امام علیه السلام فرمود: این است که انسان

از سوی جباری ستیزه‌جو، تهدید، و یا موجب سرکشی آن جبار شود (اصفهانی، ج ۳، ۱۳۸۷ق: ۱۴۰).

سیاست تقیه

مهمترین اصل دینی - سیاسی که امام با استفاده از آن روزگار سیاسی خود را می‌گذراند، تقیه بود.

امام سجاد علیه‌السلام واقعاً در وضعیت سختی زندگی می‌کرد و جز تقیه راه دیگری نداشت. اساس همین تقیه است که موجب حفظ شیعه در آن حالت می‌شد؛ چیزی که خوارج به عنوان یک گروه افراطی از آن بی‌بهره بودند و به همین دلیل ضربه‌های بسیار اساسی و کاری خوردند. در روایتی آمده است که کسی بر امام وارد شد و پرسید چگونه روزگار را می‌گذرانید. امام در پاسخ فرمودند «روزگار را به گونه‌ای می‌گذرانیم که در میان قوم خویش همچون بنی‌اسرائیل در میان آل فرعون هستیم. فرزندان ما را می‌کشند و زنان ما را به کنیزی می‌برند. مردم با دشنام دادن به بزرگ و سید، به دشمنان ما تقرب می‌جویند. اگر قریش با داشتن محمد بر دیگر اعراب فخر می‌کند و اگر عربها به دلیل داشتن محمد بر عجم فخر می‌کنند و آنها نیز چنین فضیلتی را بر عربها و قریش پذیرفته‌اند، ما اهل بیت می‌باید بر قریش برتری داشته باشیم و فخر کنیم؛ زیرا محمد از میان ما اهل بیت است. اما آنان حق ما را گرفتند و هیچ حقی برای ما نمی‌شناسند. اگر نمی‌دانی روزگار چگونه می‌گذرد، این گونه می‌گذرد که گفتیم.» ناقل حدیث می‌گوید امام به گونه‌ای سخن می‌گفت که می‌خواست کسانی که نزدیک بودند بشنوند (جعفریان، ۱۳۷۶ش: ۲۵۲).

د. مهمترین اقدامات امام سجاد علیه‌السلام بعد از بحران

مهار و کنترل بحران، ممکن است، موقتی و همچون آتشی زیر خاکستر باشد که در زمانی دیگر برافروخته می‌شود. بنابراین، گروه مدیریت بحران، همواره باید اقداماتی را پس از حل بحران انجام دهد تا از این طریق، دریابند که دیگر بحران، آثار زیانبار و تخریبی ایجاد نمی‌کند. براساس برخی مطالعات، اقداماتی را بازیابی گویند که بعد از بحران انجام می‌شود. این مرحله، که پس از مهار و کنترل بحران انجام می‌گیرد بر مجموعه اقداماتی اطلاق می‌شود که به منظور عادی‌سازی اوضاع انجام می‌شود. همان گونه که بدن انسان را پس از عمل جراحی، چندین ساعت

در حالت باز یابی قرار می دهند تا نشانه های حیاتی خود را باز یابد و به حالت طبیعی برگردد (روشندل اربطانی و دیگران، ۱۳۸۸ش: ۷۷) در مدیریت بحران نیز باید پس از مهار موفقیت آمیز و کنترل آن، مجموعه اقداماتی را انجام داد تا از این طریق، به روال عادی و طبیعی باز گردد. در سیره امام سجاد علیه السلام بعد از وقوع بحرانهای متعدد، مجموعه اقداماتی انجام شد که هر یک نقش مهمی در حل بحرانهای پیش رو داشت.

بازسازی هویت تشیع و گسترش آن

هویت تشیع به باورها و رفتارهای خاص اعتقادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی او است. در این هویت بخشی، شیعه ملاک و معیارهای خاص خود را با نظام امامت تنظیم می کند. ملاک و معیار اصلی وی، پذیرش ولایت ائمه و نپذیرفتن حاکمیت ظلم است. براین اساس امام سجاد نیز این هویت را در قالب و روشهای مختلفی بازسازی کرد به گونه ای از نقاط مختلف جهان اسلام برای شنیدن سخنان وی مهاجرت می کردند؛ چنانکه ابو خالد کابلی با پدرش در کابل ارتباط داشت (کشی، ۱۳۶۳ش: ۱۲۲).

این رفت و آمد وی، زمینه گسترش تشیع را در ناحیه کابل فراهم کرد به گونه ای که در عصر غیبت صغری، حضرت حجت در آن منطقه دارای وکیل بود (همان: ۴۴۳).

در گزارش دیگری درباره تأثیر کرامت امام بر هدایت فکری و عقیدتی مردم آمده است علی بن خالد که زیدی مذهب بود با دیدن کرامات امام سجاد علیه السلام به مذهب تشیع درآمد (مفید، ج ۲، ۱۴۱۳ق: ۲۹۲).

بعد از واقعه کربلا با اقدامات بنی امیه و عدم شناخت صحیح مردم از فرهنگ اصیل اسلامی، نزدیک بود تشیع به طور کامل از صحنه محو شود؛ لذا امام سجاد علیه السلام توجه جدی خود را به حفظ آن معطوف کرد و در پوشش تقیه توانست هم خود و پیروان خود را حفظ کند و هم به هدایت و رهبری شیعه بپردازد. آن حضرت برای رسیدن به این هدف به منظور تبیین فرهنگ و اندیشه اصیل اسلامی به اقداماتی دست زد تا جامعه را از ورطه جهل و انحراف از مبانی دینی و اخلاقی نجات دهد. ایشان با تبیین فرهنگ اصیل اسلامی در قالبهای به ظاهر غیر سیاسی، اساس مکتب تشیع را در مقابل طوفانهای سهمگین فکری و عقیدتی بیمه کرد. امام سجاد علیه السلام برای

ساختن جامعه دینی، مانند رسول خدا(ص) از ابتدا شروع، و فرهنگ تشیع را از اوّل پایه‌گذاری کرد؛^۱ زیرا جهل و بی‌خبری نسبت به دین فراگیر شده بود.

با توجه به وضعیّت خفقان بنی‌امیه، امام سجّاد علیه‌السلام برای تبیین فرهنگ و اندیشه اسلامی از روشهایی بهره برد که کمتر باعث حساسیّت بنی‌امیه گردد. پند و ارشاد امت و توجه‌دادن به آخرت و عذاب و مرگ زودرس، یکی از آن روشها بود؛ به این طریق آنان را به زهد و بی‌اعتنایی نسبت به زخارف دنیا دعوت می‌کرد و بی‌اعتباری دنیا را تذکر می‌داد.^۲ روش دیگر امام سجّاد علیه‌السلام تبیین معارف الهی در قالب دعا بود. حضرت با این روش مردم را از رفتار جباران ستمگر، که از راه حق منحرف گشته بودند و بر نابودی دین خدا اصرار می‌ورزیدند، آگاه می‌کرد. نمونه بارز آن دعا‌های امام سجّاد علیه‌السلام است که علاوه بر اینکه شامل راز و نیاز با معبود است از علوم و معارف اسلامی چون اصول اعتقادات، احکام و فروع دین و مسائل اجتماعی سرشار است.

شناساندن مقام امامت و صاحبان اصلی آن به مردم از دیگر اقدامات امام سجّاد علیه‌السلام است که در اوضاع مناسب و قالبهای ویژه‌ای چون تفسیر قرآن^۳ و روایات، دعا و نیایش^۴، بیان مسائل فقهی^۵ و ارائه کرامات^۶ و خبر دادن از امور غیبی (اربلی، ج ۲، ۱۳۸۱ق: ۳۲۳ - ۳۲۴) بیان می‌شد.

۱. ر.ک: جعفر مرتضی عاملی، دراسات و بحوث فی التاریخ و الاسلام، ج ۱، ۱۴۰۹ق: ۸۵ - ۸۶، تحت عنوان «الامام السجّاد(ع) باعث الاسلام من جدید».

۲. ر.ک: سیدعلی خامنه‌ای، پیشوای صادق، ۱۳۵۸ش: ۲۰ - ۲۳.

۳. حضرت در تفسیر آیه قصاص (سوره بقره آیه ۱۷۹) گمراه کردن مردم از ولایت و امامت را از قتل نفس بدتر می‌داند و کیفر آن را جاودانگی در آتش جهنم ذکر می‌کند (طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ۱۴۰۳ق: ۱۵۶ - ۱۵۵).

۴. حضرت در بخشی از دعای چهل و هفتم صحیفه سجّادیه می‌فرماید: «خداوند! همانا تو دین خود را در هر زمانی به امامی تأیید کرده‌ای که او را نشانه‌ای برای بندگانت و علامتی در شهرهایت به پاداشتی پس از اینکه ریسمان او را به ریسمان خود پیوستی و او را سبب رسیدن به خشنودیت قرار دادی و فرمانبری او را واجب گرداندی و از نافرمانیش برحذر داشتی...» (الصحیفه السجّادیه الجامعة، دعای چهل و هفتم، بخش ششم، ۱۴۱۱ق: ۳۲۲).

۵. حضرت در حدیثی درباره روش اجتهاد می‌فرماید: با عقلهای ناقص، رأی‌های باطل و قیاسهای فاسد، نمی‌توان دین خدا را شناخت؛ این شناخت جز با تسلیم به دست نمی‌آید. هرکس تسلیم ما شد، سالم گردید و هرکس به ما اقتدا کرد، هدایت شد و هر کس به قیاس و رأی عمل کرد، هلاک شد... (شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام النعمه، ۱۴۰۵ق: ۳۲۴).

۶. درباره شهادت حجرالاسود به امامت حضرت. ر.ک: طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ۱۴۰۳ق: ۱۴۷ - ۱۴۸.

تحکیم مشروعیت اهل بیت (ع)

از دیگر اقدامات امام سجاد علیه السلام در راستای حل بحرانهای پیش رو، تحکیم مشروعیت اهل بیت بود؛ زیرا حیات و هویت تشیع به مشروعیت الهی امام جامعه و امامت است. بنابراین، ایشان در هر موقعیتی به اعمال ولایت و بیان مشروعیت حکومت ائمه می پرداختند؛ چنانکه می بینیم بیش از نیمی از خطبه امام سجاد در شام، بیان فضائل امیرمؤمنان علیه السلام است. از دیگر اقدامات امام علاوه بر بیان منزلت خاندان رسالت، تحقیر حکومت است؛ چنانکه امام سجاد علیه السلام در مسجد جامع به دور از انتظار یزید، وضع را به نفع اهل بیت امام (ع) تغییر داد به گونه ای که جو حاکم بر دمشق دیگر به یزید اجازه نمی داد که آنها را دوباره تحت عنوان اسیر، زندانی کند؛ از این رو بنابر تصریح بیشتر مورخان آنها را آزاد گذاشت و در خانه ای متصل به منزل خودش جای داد (ابن اعثم، ج ۵، ۱۴۱۱ق: ۱۳۳).

از دیگر کارهای امام در بیان مشروعیت ائمه اطهار بهره گیری از اعجاز خاص امامت بود. این روش نیز برای برخی از کسانی به کار گرفته می شد که دنبال شناخت حق بودند و با پیوستن به آن در گسترش و دفاع از آن نقش بسزایی داشتند. در گزارشی نقل شده است که ابو خالد مدتی در خدمت محمد حنفیه بود تا او را به حرمت پیامبر (ص) و امیرالمؤمنین علیه السلام قسم می دهد که آیا تو امام مفترض الطاعه بر خلق هستی. محمد در پاسخ گفت به امر عظیمی مرا سوگند دادی. بدان که امام من و تو و هر مسلمانی علی بن حسین علیه السلام است. سپس ابو خالد به سراغ امام سجاد علیه السلام می آید و معجزه ای از علم الهی ایشان می بیند و تسلیم حضرت می شود (طوسی، ج ۱، ۱۴۰۴ق: ۳۳۶).

ترویج علوم اهل بیت (ع)

امام سجاد درباره حق فراگیران، می فرماید: «اما حق فراگیرانی که از تو دانش می آموزند، این است که بدانی خداوند عزیز با دانشی که به تو داده و گنجینه هایی که به روی تو گشوده تو را عهده دار آنان قرار داده است؛ پس اگر در آموزش مردم، نیکو و پسندیده رفتار کنی و آنان را به تباهی و گناه و دشواری و پریشانی نکشانی، خداوند از فضل خود بر تو بیفزاید؛ اما اگر مردم را از دانش بازداری یا هنگامی که فراگیران می خواهند چیزی از تو بیاموزند، آنان را به تباهی و

آلودگی بکشان، بی‌تردید خداوند دانش و شکوه آن را از تو باز می‌ستاند و دیگر در دلهای مردم جایی نخواهی داشت (ابن بابویه، ج ۲، ۱۴۱۳ق: ۶۲۱).

ابوحزمه ثمالی گوید به نوشته‌ای برخورد کردم که در آن گفتاری از امام سجاد درباره زهد بود. آن را نوشتم و به حضور امام بردم و برایشان عرضه کردم. امام آن را شناختند و درستی نوشته و هرچه را در آن بود تأیید کردند (کافی، ج ۸، ۱۴۰۷ق: ۱۵).

بهره‌گیری از سلاح دعا و عبادت

هنگامی که جامعه دچار انحراف شد، روحیه رفاه‌طلبی و دنیازدگی بر آن غلبه می‌کند و فساد سیاسی و اخلاقی و اجتماعی آن را در محاصره قرار می‌دهد و از نظر سیاسی هیچ روزنه‌ای برای تنفس نخواهد بود. امام سجاد علیه‌السلام توانست از دعا برای بیان بخشی از عقاید خود استفاده کند و بار دیگر تحرکی در جامعه برای توجه به معرفت و عبادت و بندگی خداوند ایجاد کند. گرچه ظاهراً مقصود اصلی این دعاها، همان معرفت و عبادت بود با توجه به تعبیری که وجود دارد، می‌توان گفت که مردم می‌توانستند از لابه‌لای این تعبیرات با مفاهیم سیاسی مورد نظر امام سجاد علیه‌السلام آشنا شوند.

کمک رسانی به اقشار مستضعف و بی‌پناه

یکی از اقدامهای بزرگ امام سجاد علیه‌السلام در عصر امامت خویش، مساعدت و یاری افراد محروم جامعه بود. حضرت هم، مانند اجداد طاهرینش به این عمل عشق می‌ورزید و از خدا، دوستی و همنشینی با تهیدستان را طلب می‌فرمود؛ چنانکه در دعای سی‌ام صحیفه سجاده می‌فرماید: پروردگارا! همنشینی فقرا و تهیدستان را برایم محبوب گردان و مرا به شکیبایی نیکو بر همنشینی ایشان یاری فرما!

امام سجاد علیه‌السلام با روشهای مختلف به افراد محروم جامعه اسلامی کمک مالی می‌کرد و از این طریق به امت اسلامی می‌آموخت که مسلمان واقعی، باید از احوال برادر مسلمان خود با خبر، و در غمها و شادیهای وی شریک باشد. این ویژگی متعالی امام علیه‌السلام به صورتهای مختلفی بروز و نمود داشت.

اتخاذ سیاست عفو و گذشت

سیره امام سجاد علیه السلام، درسهای تربیتی - اخلاقی فراوانی برای جامعه آن روزگار، که در فساد و فحشا غوطه ور بودند به همراه داشت. گذشت از خطاکاران، یکی از این شیوه‌هاست. امام زین العابدین علیه السلام از کسانی که با وی رفتار ناشایستی می کردند با بزرگواری گذشت می کرد. روزی مردی بیرون خانه، حضرت را دید و ناسزا گفت. خادمان حضرت بر آن مرد حمله بردند. امام علیه السلام فرمود «او را رها کنید». سپس به او گفت «آنچه از ما بر تو پوشیده مانده، بیشتر از آن است که می دانی. آیا حاجتی داری؟» مرد شرمند شد و امام علیه السلام، گلیمی را که بر دوش داشت بر او افکند و فرمود که هزار درهم به او بدهند. مرد از آن پس می گفت «گواهی می دهم که تو فرزند پیامبری» (اربعی، ج ۲، ۱۳۸۱ق: ۸۱).

دفاع از دستاوردهای انقلاب عاشورا

هنگامی که اهل بیت امام حسین علیه السلام در سکویی در مسجد جمع شده بودند، پیرمردی نزد آنان آمد و گفت ستایش خداوندی که شما را کشت و نابود، و مردم را از شرّتان آسوده کرد و امیرمؤمنان (یزید) را بر شما پیروز گردانید. امام سجاد علیه السلام به او فرمود ای پیرمرد آیا قرآن خوانده‌ای؟ گفت آری. فرمود پس این آیه را می شناسی: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ»^۱. گفت آری؛ خوانده‌ام. امام سجاد علیه السلام فرمود ای پیرمرد! ما خویشان پیغمبر هستیم. سپس فرمود آیا در سوره بنی اسرائیل این آیه را خوانده‌ای: «وَأَتِذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ...»^۲. گفت «آری، خوانده‌ام. فرمود ای پیرمرد! ما ذی القربی و خویشان رسول خدا هستیم. سپس فرمود آیا این آیه را خوانده‌ای: «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ...»^۳ گفت آری. فرمود ای پیرمرد! ما همان ذی القربی هستیم. سپس فرمود آیا این آیه را خوانده‌ای: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»^۴. گفت: این آیه را هم خوانده‌ام. فرمود ما همان اهل بیتی هستیم که خدا این آیه را مخصوص ما نازل کرد. پیرمرد پس از شنیدن این کلمات،

۱. سوره شوری ۲۳. «بگو من هیچ پاداشی از شما در برابر رسالتم درخواست نمی کنم جز دوست داشتن نزدیکانم [اهلبیت]».

۲. سوره اسراء ۲۶. «حقّ نزدیکان را بپرداز».

۳. سوره انفال ۴۱. «بدانید هرگونه غنیمی به دست آورید، خمس آن برای خدا و برای پیامبر و برای ذی القربی ... است».

۴. سوره احزاب ۳۳. «خداوند فقط می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد».

مدتی ساکت، و از سخنان خویش پشیمان شد و گفت شما را به خدا قسم، آیا این آیات قرآن در شأن شماست؟ فرمود ما خاندانی هستیم که این آیات در شأن ما نازل شده است. پیرمرد گریست سپس سر به سوی آسمان برداشت و گفت خدایا! در پیشگاه تو از دشمنان آل محمد از جن و انس بیزاری می‌جویم (شیخ صدوق، حدیث ۳، ۱۴۰۰ق: ۲۳۰)؛ پس از آن به حضرت سجاد علیه‌السلام گفت آیا توبه من قبول می‌شود؟ حضرت فرمود آری اگر توبه کنی، خداوند قبول می‌کند و تو با ما هستی. پیرمرد گفت من توبه کردم (ابن طاووس، ۱۴۱۷ق: ۲۱۳).

یکی از این راه‌ها برپایی مجالس سوگواری، عزاداری علنی و گریه بر شهدای کربلا بود که نوعی مبارزه منفی علیه حکومت یزید به‌شمار می‌رفت. سوگواری و گریه درحقیقت، جلوه‌ای از اعلام مخالفت و بیزاری از دشمنان امام حسین علیه‌السلام بود^۱ که همه بازماندگان از بنی‌هاشم بویژه امام سجاد به این امر مهم اهتمام می‌ورزیدند.

امام سجاد علیه‌السلام، هرگاه ظرف آبی را برای نوشیدن برمی‌داشت، چنان می‌گریست که اشک دیدگانش با آب آن ظرف مخلوط می‌شد و وقتی از علت آن سؤال می‌کردند، می‌فرمود «چگونه گریه نکنم در حالی که پدرم از آبی منع شد که [نوشیدن آن] برای درندگان و حیوانات آزاد بود». روزی به حضرت گفته شد روزگارت را با گریه سر می‌کنی، آن هم به گونه‌ای که گویا خودت او را کشته‌ای! فرمود «جان من [اباعبدالله الحسین] کشته شده است و برای او می‌گیرم» (ابن شهر آشوب، ج ۴، ۱۳۷۶ق: ۱۸۰).

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: علی بن الحسین علیه‌السلام بیست سال در مصیبت پدرش گریست و هر وقت غذا جلوی حضرت می‌گذاشتند گریه می‌کرد. روزی یکی از غلامان به ایشان گفت فدایت شوم ای فرزند رسول خدا، می‌ترسم از فراوانی حزن و اندوه، خود را هلاک کنی، فرمود «از درد و اندوه خویش به خدا شکوه می‌کنم و چیزی از خدا می‌دانم که شما نمی‌دانید^۲. هرگاه کشته شدن فرزندان فاطمه را به یاد می‌آورم، بی‌اختیار بغض گلویم را می‌گیرد و اشکم جاری می‌گردد» (ابن شهر آشوب، ج ۴، ۱۳۷۶ق: ۱۷۹).

۱. ر.ک: ابوریحان بیرونی، الآثار الباقیه عن القرون الخالیة (۳۹۱ق: ۳۲۹).

۲. اشاره است به آیه شریفه قرآن: «إِنَّمَا أَشْكُوا بِنُسْؤِنِ ابْنِ وَحْزْنِي إِلَى اللَّهِ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (یوسف، ۸۶) که خداوند در آن درد و اندوه حضرت یعقوب را در فراق حضرت یوسف نقل می‌کند.

احیای جامعه مرده آن روز

امام پس از حادثه کربلا دریافته بود که امکان احیای این جامعه مرده با در دست گرفتن رهبری آن وجود ندارد؛ به علاوه، درگیر شدن در حرکت سیاسی دیگری با وجود قدرت دیگر احزاب، خطرهایی را در پی داشت که به پیامدهای آن نمی‌ارزید.

ملایمت امام در برخورد با امویان، سبب شد تا امام زندگی آزادی در مدینه داشته باشد و توجه مخالفان را کمتر به خود جلب کند؛ به علاوه بعد علمی امام در جهت حفظ دین تجلی بیشتری بیابد. تمجیدهای فراوان از امام، که از زبان عالم اهل سنت باقی مانده شاهد این گفته است. اگر امام درگیر سیاست شده بود، آنان به خود اجازه نمی‌دادند تا این بعد از شخصیت امام را توصیف کنند.

رویارویی با جریانهای فکری و عالمان دربار

امام سجاد علیه‌السلام خطاب به شیعیان فرمودند «ما را بر همان حب به اسلام دوست بدارید و برتر از آنچه هستیم نبرید» (اصفهانی، ج ۳، ۱۳۸۷ق: ۱۳۶).

امام سجاد علیه‌السلام با انحرافهای فکری و عقیدتی جامعه اسلامی، که معلول فاصله گرفتن آن از مکتب اهل بیت (ع) با روی کار آمدن حکومتهای ضد اسلامی بود، مقابله کرد؛ به نظارت بر جریانهای فکری درون جامعه و اصلاح و هدایت جریانهای انحرافی پرداخت و مردم را از خطر غالیان^۱ بر حذر داشت؛ با جبرگرایی^۲، مُشَبَّهه^۳، مُتَصَوِّفه و زاهدنمایان^۴ و عالمان درباری^۵ به مبارزه

۱. حضرت درباره غلات فرمودند: ...نه آنان از ما بپند و نه ما از آنانیم (شیخ طوسی، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ۱۴۰۴ق: ۱۲۰، ح ۱۹۱).
۲. وقتی غنبدالله بن زیاد به حضرت گفت مگر خدا علی بن الحسین را نکشت، حضرت در جواب او فرمود «برادری داشتم به نام علی که مردم او را کشتند» (سید بن طاووس، الْمَلْهُوفُ عَلَى قَتْلِ الطُّغُوف، ۱۴۱۷ق: ۲۰۲).
۳. وقتی شنید که گروهی، خداوند را به مخلوقات تشبیه می‌کنند، حضرت ناراحت شد و برخاست به سوی قبر رسول خدا (ص) رفت و نزد قبر آن حضرت ایستاد و با صدای بلند چنین گفت خدایا تو را نشناختند و تشبیه کنندگان، تو را غیر آنچه سزاواری تصور کرده‌اند. ای خدا، من از کسانی که با تشبیه در پی جستن تو برآمدند، بیزارم... (شیخ مفید، الإرشاد، ج ۲، ۱۴۱۳ق: ۱۵۲-۱۵۳).
۴. در کلامی می‌فرماید: گروهی از این امت، بعد از اینکه از امامان دین و شجره نبوت جدا شدند، نحله‌ها و فرقه‌هایی شدند، گروهی خود را در اوهام رهبانیت گرفتار کردند... (علی بن عیسی اربلی، کشف الغمّه، ج ۲، ۱۳۸۱ق: ۳۱۰).
۵. نامه تند و توبیخ‌آمیز امام سجاد (ع) به ژهری، بعد از اینکه نصیحت و اندرز او فایده‌ای نبخشید و برخورد حضرت با حسن بصری نمونه‌هایی از این مبارزه است. امام در نامه به ژهری چنین نوشت: ...ببگر فردای قیامت که در برابر خدا باید چگونه مردی باشی؟ آن روزی که خدا از تو پرسد نعمتهای مرا چگونه رعایت کردی و درباره حجت‌های من چگونه قضاوت کردی، گمان مبر که خدا از تو عذری پذیرد و به تقصیر تو راضی باشد. هیئات هیئات، چنین نیست... (ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ۱۴۰۴ق: ۲۷۴-۲۷۶) و در برخورد

برخاست؛ با ارائه سیره عملی و احیای سنت رسول خدا(ص) و امیرالمؤمنین علیه‌السلام زمینه انقلاب فرهنگی و علمی را برای دو امام بعدی فراهم کرد؛ زیرا مردم از دین فاصله گرفتند و حتی از مسائل کلی اسلام نیز بی‌خبر بودند؛ لذا حضرت با رعایت شرایط تقیه به بیان مسائل کلی فقه پرداخت و بستر مناسب بیان جزئیات و تفصیل احکام فقهی در عصر امام باقر علیه‌السلام و امام صادق علیه‌السلام را فراهم آورد.

موضعگیری منفی در مقابل دستگاه خلافت

اگرچه امام سجاد علیه‌السلام در مدینه از حرکات انقلابی و بهانه‌ساز به نفع خلافت پرهیز کرد، هیچ‌گاه ظالمان را تأیید نکرد و همواره در حدی که موقعیت اجازه می‌داد به مخالفت با حاکمان ظلم و جور پرداخت؛ چنانکه عزاداری و گریه آن حضرت به‌نوعی حرکت سیاسی در مخالفت با حکومت اموی و افشاگری بر ضد آنها بود؛ زیرا وقتی شخصی چون امام سجاد علیه‌السلام با آن عظمت و مقام گریه می‌کرد، افرادی که این گریه‌ها را می‌دیدند و یا می‌شنیدند، اگر علت آن را می‌دانستند، طبعاً حادثه کربلا و مظلومیت اهل بیت(ع) و هتاک و ستمگری خاندان اموی در خاطرشان تداعی می‌شد و اگر علت آن را نمی‌دانستند، این سؤال مهم در ذهنشان نقش می‌بست که چرا علی بن‌الحسین علیه‌السلام با این درجه و مقام، چنین گریه می‌کند. او فقط برای از دست‌دادن عزیزانش گریه نمی‌کند؛ چه اینکه می‌داند مرگ حق است و رسیدن به مقام قرب الهی و در جوار حق بودن آرزوی هر بنده صالح خداست؛ پس گریه او علاوه بر جنبه عاطفی، می‌تواند علت دیگری نیز داشته باشد و آن زنده‌نگهداشتن حماسه‌ای بزرگ برای دستیابی به هدفی بزرگتر است که همان احیای دین و مکتب اسلام و اصلاح جامعه‌ای است که در بند انحرافات و حاکمانی ناصالح و غاصب گرفتار آمده است؛ هدفی که حسین بن علی علیه‌السلام برای آن به شهادت رسیده است.

با حسن بصری وقتی دید که او مشغول موعظه کردن مردم است به او چنین فرمود: ... آیا از این وضعی که هم اکنون بین خود و خدا داری راضی هستی که اگر در همین حال مرگت فرا برسد هیچ نگران نباشی؟ گفت نه، امام فرمود آیا با خود حدیث نفس می‌کنی تا تغییر وضع دهی و از این وضعی که راضی نیستی بیرون آیی و در حالی که از آن راضی هستی وارد شوی؟ ... سپس امام فرمود پس چرا به جای اینکه خود را نصیحت کنی مردم را اندرز می‌دهی؟ ... (طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ۱۴۰۳ق: ۱۴۰).

در پی قیام مختار و درخواست همراهی از امام سجاد علیه السلام نیز گرچه حضرت به وی پاسخ مثبت نداد؛ زیرا در آن وضعیت چنین اقدامی چه بسا به نابودی شیعه منجر می شد با تأیید کلی نهضت، رهبری آن را به عمویش محمد حنفیه واگذار کرد و فرمود «عموا، حتی اگر برده سیاهی به خونخواهی ما قیام کند بر مردم واجب است که او را یاری و تقویت کنند و من این امر را به تو واگذار می کنم؛ پس آنچه می خواهی انجام بده. وقتی مردم کلام ایشان را شنیدند از منزل آن حضرت خارج شدند در حالی که می گفتند اینک زین العابدین و محمد بن حنفیه به ما اجازه داده اند» (ابن نما، ۱۴۱۶ق: ۹۷ و مجلسی، ج ۴۵، ۱۴۰۳ق: ۳۶۵).

امام در مواقعی نیز قیام مختار را تأیید کرد؛ چنانکه وقتی سر عبیدالله بن زیاد را برای ایشان آوردند حضرت سجده شکر به جا آورد و برای مختار دعا، و طلب خیر کرد (طوسی، ج ۱، ۱۴۰۴ق: ۱۲۷، ح ۲۰۳)؛ اما در عین حال برای اینکه بهانه به دست امویان نیفتد، حضرت در مواردی هم از مختار اعلام بیزاری کرد. تا جاسوسان خبر مخالفت امام علیه السلام را با مختار به حکومت برسانند (طوسی: ۱۲۶، ح ۲۰۰).

هـ. مهمترین پیامدهای مدیریت بحران امام سجاد علیه السلام

مدیریت بحران با اعمال ولایت می تواند راهگشای حل مشکلات و توسعه کارها باشد. این مدیریت در نظام ولایی توسط امام واجب الاطاعه ای صورت می گیرد که فرستاده خدا، و به نیازهای مادی و معنوی بشر آگاه است و می داند سعادت مادی و معنوی بشر در چیست. بنابراین او صلاحیت بیشتری برای حل بحران دارد.

براساس نظریه مدیریت بحران و بررسی ابعاد آن با حیات فکری و سیاسی امام سجاد علیه السلام روشن شد که مهمترین پیامدها و دستاوردهای نقش امام، تداوم خط امامت، انتقال پیام کربلا، تبیین باورها و رفتارهای دینی مبتنی بر نظام شیعه، اثبات حقانیت و مشروعیت حکومت ائمه و نامشروع بودن ظلم و حاکمیت بنی امیه، ایجاد زمینه رشد علمی و معرفتی شیعیان، سست شدن پایه های حکومتی ظلم، و آماده کردن فضای دفاع از حریم اسلام و تشیع، است.

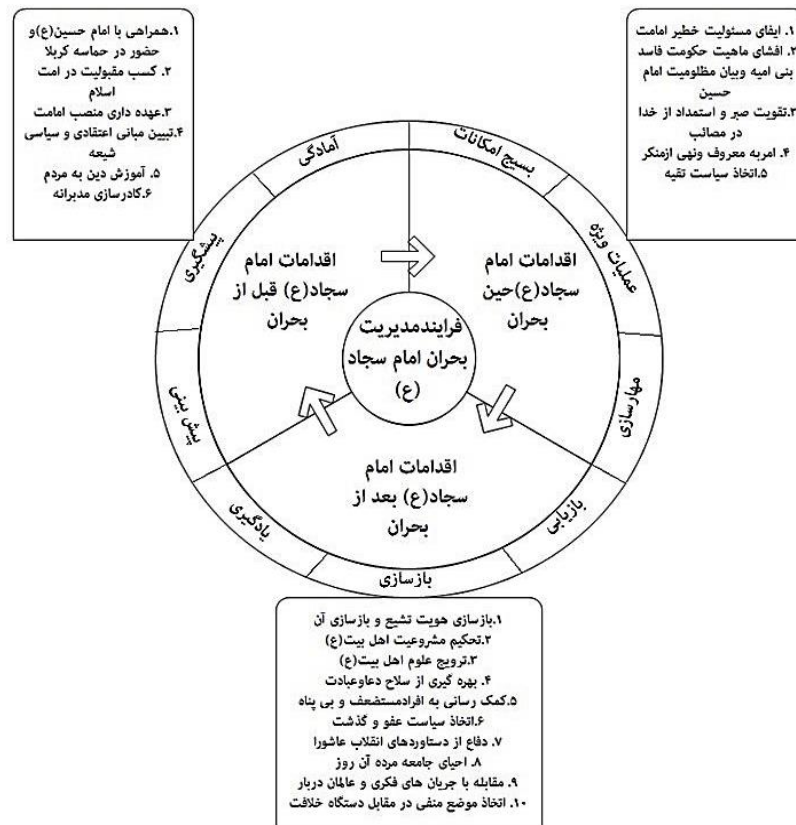
نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه عصر امام سجاد علیه‌السلام یکی از بحرانی‌ترین دورانهای تاریخ اسلام بوده است - دوره‌ای که شیعه از بعد اعتقادی، سیاسی و اجتماعی در موقعیت بسیار سختی به سر می‌برد و تشکیلات و شیرازه نظام تشیع در حال فروپاشی بود - آن حضرت با به‌کارگیری مدیریت سه‌مرحله‌ای بحران، همان‌طور که در الگو مشاهده می‌شود، توانستند با بحرانهای سیاسی و اجتماعی رویارویی، و آثار زیانبار آن را مهار کنند.

به‌طور کلی در تحقیق این موارد بررسی شد:

۱. مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده بحران سیاسی و اجتماعی در عصر امام سجاد علیه‌السلام
۲. اقدامات امام سجاد علیه‌السلام قبل از بحران
۳. اقدامات امام سجاد علیه‌السلام هنگام بحران
۴. اقدامات امام سجاد علیه‌السلام پس از بحران
۵. پیامدهای مدیریت بحران توسط امام سجاد علیه‌السلام

مدیریت بحران های اجتماعی



نمودار ۲. الگوی گونه شناسی مدیریت امام سجاد علیه السلام در حل بحرانهای سیاسی و اجتماعی

فهرست منابع

قران کریم

- صحیفه سجادیه** (۱۴۱۱ق)، تحقیق سید محمدباقر موحد ابطحی، قم: مؤسسه الامام مهدی (ع).
 ابن سعد، محمد (۱۳۷۴ش)، **الطبقات**، محقق: محمود مهدوی دامغانی، تهران: فرهنگ و اندیشه.
 ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۶ق)، **مناقب آل ابی طالب**، نجف اشرف: مطبعه الحیدریه.
 ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، **من لایحضره الفقیه**، ج ۲، چ ۲، قم: جامعه مدرسین.
 ابن عساکر، علی بن حسن (۱۴۱۵ق)، **تاریخ مدینه دمشق**، تحقیق علی شری، بیروت: دارالفکر.
 ابن عنبه، احمد بن علی (۱۴۱۷ق)، **عمدة المطالب فی أنساب آل ابی طالب**، قم: مؤسسه انصاریان.
 اربلی، ابوالحسن علی بن ابی الفتح (۱۳۸۱ق)، **کشف الغمہ فی معرفة الانمہ**، ج ۲، تبریز: مکتبه بنی هاشمی.
 ابن شعبه حرانی، **تحف العقول عن آل الرسول** (۱۴۰۴ق)، چ ۲، قم: جامعه مدرسین.
 ابن اعثم الکوفی، ابو محمد احمد (۱۴۱۱ق)، **الفتوح**، تحقیق علی شیر، بیروت: دارالاضواء.
 ابن طاووس، سید علی بن موسی (۱۴۱۷ق)، **التهوف علی قتلی الطوف**، چ ۲، قم: دارالأسوة للطباعة والنشر.
 ابن نما، جعفر بن محمد (۱۴۱۶ق)، **ذوب النصار فی شرح الثار**، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
 ابو نعیم اصفهانی، **حلیه الاولیاء** (۱۳۸۷ق)، بیروت: دارالکتب العربی.
 چاک، جک گاتز (۱۳۸۳ش)، **مدیریت بحران در بخشهای خصوصی و دولتی**، ترجمه علی پارسائیان، تهران: انتشارات ترمه.
 خوارزمی، موفق بن احمد (۱۳۶۷ق)، **مقتل الحسین**، نجف: مطبعه الزهراء.
 جعفریان، رسول (۱۳۷۶ش)، **حیات فکری سیاسی امامان شیعه**، ج ۱، قم: انتشارات انصاریان.
 رضوانی، حمیدرضا (۱۳۸۵ش)، **مدیریت بحران، ماهنامه تدبیر**، س ۱۸، ش ۱۷۰.
 روشندل اربطانی، طاهر؛ پورعزت، علی اصغر و قلی پور، آرین (۱۳۸۸ش)، **تدوین الگوی جامع فراگرد مدیریت بحران با رویکرد نظم و امنیت، نشریه دانش انتظامی**، س دهم، ش ۲.
 شهیدی، سید جعفر (۱۳۸۰ش)، **زندگانی علی بن الحسین (ع)**، چ ۱۰، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
 صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۰ق)، **امالی**، چ ۵، بیروت، اعلمی.
 طبری، محمد بن جریر (۱۴۰۹ق)، **تاریخ الامم و الملوک**، ج ۴، چ ۵، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
 طوسی، ابو جعفر (۱۴۰۴ق)، **اختیار معرفة الرجال**، تصحیح: میرداماد الأسترابادی، قم: نشر بعثت.
 مسعودی، ابوالحسن (۱۴۱۷ق)، **اثبات الوصیة**، قم: مؤسسه انصاریان.
 مفید، ابو عبدالله محمد بن النعمان (۱۴۱۳ق)، **الارشاد**، ج ۲، قم: مؤسسه آل البيت (ع).

مختاره اللیثی، سمیره (۱۳۷۱ش)، **جهاد الشیعه**، قم: نشرالبطحاء.
مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، **بحارالانوار**، ج ۲، بیروت: مؤسسه الوفاء.
کشی، محمدبن عمر (۱۳۶۳ش)، **رجال کشی**، ج ۱، قم: مؤسسه آل البيت.
کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ق)، **روضة کافی**، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
Booth, Simon, *Crisis Management Strategy*, Routledge, 1993.

